

## رهبر جمهوری اسلامی و مداحی به قصد تقرب

پس از شنیده شدن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر ولایت فقیه» در عرصه عمومی، نو سیاست متفاوت در بر خورد با این نوع شعارها از سوی حکومت اتخاذ شده است.

از یک سو دستگاه قضائی مشغول محاکمه دستگیر شدگان اعتراضات به اتهام محاربه و صدور حکم اعدام است، کسانی که بزرگترین جرم آنها دادن شعارهای فوق است؛از نگاه حکومت جمهوری اسلامی کسانی که رهبری خامنه ای را نخواهند مستحق مرگ هستند در تبلیغات حکومتی مخالفان رهبر جمهوری اسلامی مخالفان پیامبر (اعضای مسجد ضرار) و اعتراض ها فتنه خوارج (علیه امام اول شیعیان) معرفی می شوند.از سوی دیگر رسانه های اقتدار گرا و مقامات حکومتی تلاش می کنند همه کمالات متصور را به او نسبت دهند

**درایت در سر کوب**

روزنامه‌اخصاصی بیت‌رهبری مهم‌ترین ویژگی رهبری را مدیریت وی در سر کوب اعتراضات می داند و از زبان روحانیون انتصابی برای خبرگان به این مجلس پیشنهاد می کند که به مداحی آیت الله خامنه‌ای بپردازند: «تعدلی از نمایندگان ملت در مجلس خبرگان معتقدند با توجه به نقش بی‌بدیل رهبر معظم انقلاب در مقابل فتنه‌آمر یکایی اخیر باید مهم‌ترین دستور کار اجلاسبه هفتم تجلیل از درایت رهبری در حوادث بعد از انتخابات باشد.» به همین بهانه همه کمالات عالم به‌وی نسبت داده‌می‌شود: «ایشان در هوشیاری، بیداری و آگاهی دادن جامعه و عبور کشور از بحران های مختلف ایفاگر نقش بی‌بدیلی بوده اند.» نقش مقام معظم رهبری در عرصه های نظامی، علمی، هسته ای، فناوری و همچنین توسعه فرهنگ اهل بیت کم نظیر و مثال زنی است. (عبد التبی نمازی) … راهی که از سوی رهبر انقلاب ترسیم می شود صراط حق است. (احمد خاتمی)» (کیهان، ۴ اسفند ۱۳۸۸)

این پیشنهاد در گزارش کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان رهبری درباره اصل ۱۱۱ قانون اساسی دنبال شده است: «در این مدت ۲۰ سال و اندی در وجود رهبر عزیزمان نه تنها کم و کاستی مشاهده نشد بلکه هر مقدار زمانا جلوتر می رویم صفات لازم مزبور در خشان تر، مخصوصا درایت و مدیریت در حد اعلا در ایشان متجلی می شودوی اختیار آیه شریفه الله اعلم حیث يجعل رسالته در ذهن انسان تلذای می نماید.» مدیریت عالی و درایت رهبر معظم انقلاب [در ختنگی توطئه ها یا همان سر کوب اعتراضات]… مقام معظم رهبری را ب آن ذکاوت و تیر هوشی که دارند. در آستانه انتخابات از روشنگری ها و هدایت های بصیرت آمیز به طور مرتب مردم را بر خوردار می فرمودند. رهبر حکیم و دیده بان شجاع فرزانه» (تابناک، ۶ اسفند ۱۳۸۸) کمیسیونی که مسئول نظارت بر اعمال رهبری است در این عبارات به صراحت به مداحی وی می پردازد

از این کمیسیون در صورت آزاد بودن انتخابات مجلس خبرگان و عدم نظارت استصوابی انتظار می رفت که به نقض گسترده حقوق مردم در ماه های پس از انتخابات رسیدگی و نتایج را به مردم اعلام کند دهها ششده هزاران زندانی بموار متعدد شکنجه و تجاوز، تخریب اموال عمومی توسط نیروی انتظامی و لباس شخصی ها، کتک زدن مردم در خیابان ها، اعتراضات اجباری، دادگاه های نمایشی و فجایع کهریزک، کوی سبحان و کوی دانشگاه و دهها مورد دیگر از اعمال غیر قانونی رهبری می توانست در این گزارش ذکر شود

**مدیریت منطقه ای**

افراد نزدیک به بیت رهبری شروع به ارائه چهره ای موفق، عالم، زاهد، مردمی و خدایی از مسئول و دستور هدنده جنایات بیست و یک ساله در ایران کرده اند علی اکبر ولایتی، مشاور رهبری در سیاست خارجی، جهت مداحی آیت الله خامنه ای در سیاست خارجی احساس وظیفه کرده و آیت الله خامنه ای را عامل تبدیل شدن ایران به قدرت بزرگ منطقه معرفی می کند.(تابناک، ۱۴ بهمن ۱۳۸۸) ایران قبل از انقلاب ۱۳۵۷ قدرت بزرگ منطقه بود.و از لحاظ سیاسی و اقتصادی باترکیه و عربستان و حتی امارات متحده عربی قابل مقایسه نبود. این نکته مغفول نظر فردی واقع شده که مدعی تخصص در تاریخ ایران (علاوه بر پزشکی) است.

**آقا زاده های ساده زیست**

عزت مطهری (عزت شامی) نیز در حوزه خصائل اخلاقی و قدرت کلام آیت الله خامنه ای به مداحی می پردازد و همان داستان های ساده زیستی متعلق به دوران گذشته (و نه حال) را بیاین می کند. (الف، ۱۴ بهمن ۱۳۸۸) مداحان خامنه ای با سر زیر برف کردن به رفع اتهامات وارده به خامنه ای می پردازند: «ایشان تاجایی که من می شناسمشان و می ظلم و فکر هم نمی کنم غیر از این باشد از اول خودشان را آلوده مسائل اقتصادی نکردند نه خودشان، نه خانواده شان آلوده مسائل اقتصادی و این چیزها نبودند و تا حالا هم من نشنیده ام که کسی پشت سر ایشان – راجع به این که آیا بچه های او هم جزء آقا زاده ها هستند و این و تکی دارند و پولی و ثروتی دارند زندگی تشریفاتی دارند و – حرف بزنند» (همان)

این سخنان بعد از شایعات مربوط به حساب های بانکی اعضای خانواده خامنه ای در بانک های خارج کشور مطرح می شوند کسی که همه ثروت کشور در اختیار وی است

و به هیچ کس حساب پس نمی دهد و همراهان و وفاداران به وی به صدها میلیاردها دلار پول و املاک در داخل و خارج کشور دسترسی دارند و مرتبا اخبار مربوط به فساد مالی توسط دستگاه های دولتی منتشر می شود چگونه می تواند آلوده مسائل اقتصادی نباشد و اگر نیست چرا کوچک ترین انتقادها را با سالها زندان و شکنجه پاسخ می دهد؟ در هیچ مرجعی به طور شفاف اعلام نشده است که فرزندان و دیگر وابستگان وی چه مشاغلی دارند و در آمد و ثروتشان چه قدر است. این پنهانکاری طبعاً به شایعات دامن می زند

**تقدیر الهی**

بندنامی رهبر جمهوری اسلامی در افکار عمومی ومطالبه گسترده دمکراسی باعث شده است دستگاه روایت سازی روحانیت در جهت داستان سازی برای محتوم بودن ولایت وی و تقدیر الهی بودن آن وارد عمل شود. یکی از روحانیون در سخنرانی خود در مجتمع فرهنگی شهید غفران، ولایت خامنه ای را به الهامات غیبی افراد صالح و زاهد ربط می دهد تا شبهات مربوط به عدم مشروعیت عمومی وی را دفع کند او همه شرایط دنیوی برای ولایت رانفی کرده و انتصاب الهی را شرط آن قرار می دهد

وی در مورد آیت الله خامنه ای با بیان دو داستان این انتصاب الهی را اثبات می کند. یک داستان مربوط به دوازده سالگی خامنه ای است: «ایشان می داند ۱۲ سالگی معمم شدند. وارد یک جلسه ای می شوند تو مشهد که یکی از اوتاد و عرفا و اهل معرفت تو اون جلسه بود. تمام قد جلوی ایشان بلند می شود، جلوی بچه ۱۲ ساله، می آد جلو پیشانی ایشان رامی بوسد. همه دور وبری ها اعتراض می کنند شما آیت الله، شما بزرگ، برای این بچه بلند شدید.ایشان می فرماید شما نمی داند این ذخیره خاست. هر کی پرده ها براش کنار رفته باشه اینها را می بیند» داستان دیگر مربوط به آیه الله بهاءالدینی است که در قم به زهد و عرفان مشهور بود: «سال ۶۴ که مجلس خبرگان آقای منتظری را به عنوان قائم مقام مطرح کرد اومند به آیت الله بهاء الدینی… گفتند آقا جانشین آقا روح الله را خبرگان معرفی کرد آقای منتظری. آقای بهاء الدینی بلند فرمودند نه آقا. جانشینی آقا روح الله مال کس دیگر است. این دور و بری ها فکر کردند آقا متوجه نشده گفتند ساعت دو اخبار رادیو را بگیرد. براتون می گه. فرمودند می دونم. نه آقا.» (فیلم این سخنرانی با عنوان «چرا آیت الله پیر طلبه ۱۲ساله» خامنه ای «را می بوسد» بر روی سایت یوتیوب گذاشته شده است)

سخنران در اینجا تلاش می کند با دو قصه مخاطبان مذهبی را به مقدر و محتوم بودن رهبری خامنه ای باورمند سازد. داستان هایی که راوی شان مشخص نیست و حتی اگر دوروحانی در این باب خواب نما شده باشند و سخنانشان مشخصا به رهبری خامنه ای مربوط باشد (که نیست، اولی احتمالا هر ملایی را ذخیره الهی می دانسته و دومی نمی خواسته منتظر رهبر شود) نمی توان سرنوشت یک کشور را با آنها تعیین کرد. به بیان داستان پردازان، اگر کسانی هستند که این موضوع یعنی مقرب بودن ولایت الهی خامنه ای را نمی بینند (حتی اکثریت مردم) باید در روشن بینی آنها شک کرد و کسانی که این امور را می بینند حق دارند با داغ و درفش و شکنجه و قتل بر مردم حکومت کنند.

**مجامله پوتین و پنهانکاری**

احمد مروی، معلون ارتباطات حوزوی دفتر رهبری، در بیان زهد مولای خود احساس وظیفه کرده است. او خامنه ای را از حیث ریاضت کشی و زهد تا مرتبه انبیا بالا می برد و از قول پوتین می گوید: «هن مسیح را ندیده ام اما تعریف او را در انجیل شنیده و خوانده ام، من مسیح را در رهبری ایران دیدم». (تابناک، ۱۳ بهمن ۱۳۸۸) او در وصف ساده زیستی خامنه ای داستان های زیادی را روایت می کند: «ایشان اصرار کردند که نه بیاید منزل ما، ما هم رفتیم، سر سفره جای بود و نان و پنیر و ظرفی حلو، ما با این غذا ها خودمان را سیر نکردیم که برای غذای اصلی جا داشته باشیم، به اشاره از خادم آقا که پیرمردی است پرسیدیم خبری است گفت نه همین غناست.» (تابناک، ۱۳ بهمن ۱۳۸۸) شبیه این داستان ها قبلا از سوی حناد عادل نیز روایت شده بود. با فرض راست گویی راوی (در کشوری که مقاماتش از صبح تا شام دروغ می گویند)، چنین رهبری که هیچ چیز برای خود نمی خواهد چرا منتقدان حکومت نمی توانند یک روزنامه داشته باشند و ایران جهنم روزنامه نگاران است؟ حکومتی که از نظر شفافیت در قعر فهرست کشورها قرار دارد چگونه انتظار دارد مردم این داستان ها را برای «علی» معرفی کردن خامنه ای باور کنند؟

**قسم حضرت عباس**

عدم محبوبیت آیت الله خامنه ای و منفور بودن وی در جامعه تا آنجا گسترش یافته که هواداران هیاتی وی به قسم حضرت عباس متوسل می شوند تا وی را به مردم بفروشند: «من متولد. ۶۶ سال سن دارم و ۶۰ سال است که طلبه هستم. برخی از جلساتی که هم اکنون دارم نزدیک به ۳۰ تا ۴۶ سال است که برگزار می شود. غرق در آخوند حوزه، طلبه، مرجعیت، فقه و اجتهاد هستم. ۳۰ سال است که رساله ای نمی نویسم. آیا حضرت عباسی بهتر از ایشان برای رهبری داریم؟» (سید مرضی خاتمی، فارس، ۶ دی ۱۳۸۸

## هشت تحلیل غلط؛ پیش و پس از انتخابات ریاست جمهوری

**مجید محمدی**

در ایام پیش و پس از انتخابات و اوج گیری اعتراضات اخبار و تحلیل های متفاوتی از شرایط سیاسی ایران در رسانه های داخلی و خارجی عرضه شدند که بسیاری از آنها با واقعیت سیاسی موجود در ایران همخوانی نداشته و ندارند. در اینجا به این خبر – تحلیل ها و مشکلات آنها اشاره کوتاهی می کنم.

**روحانیت در صدد برکناری خامنه ای**

اخبار گسترده ای در روزهای پس از انتخابات منتشر شد. مبنی بر این که هاشمی رفسنجانی در حال رایزنی با برخی از روحانیون در قم برای عزل رهبری یا تشکیل شورای رهبری است.

این اخبار از وب سایت های فارسی زبان به رسانه های غربی نیز انتقال یافت و بر اساس همین خبرها این تحلیل شکل گرفت که روحانیون در حال طراحی برنامه ای علیه خامنه ای هستند (پیتر بومان، روزنامه گاردین، ۲۸ ژوئن، ۲۰۰۹) این خبرها و تحلیل ها بیشتر از روهواومایل خبر دهندگان وتحلیلگران ایرانی را که به خبر نگاران غربی نیز مشاوره می دهند انعکاس می داند تا منعکس کنند. هیچ واقعیت نباشند. همچنین این تحلیل ها به جای تعارض میان ملت و حاکمیت تمایل داشتند موضوع را به اختلافات درون حکومتی یا میان جناحی تقلیل دهند

هاشمی رفسنجانی در دوره اخیر آن چنان تحت فشار حکومت نظامیان است که تنها باید به دفاع از سنگر هایی که دارد مشغول باشد و نمی تواند جبهه تازه ای علیه آیت الله خامنه ای بگشاید. حداکثر کاری که هاشمی کرد همان نامه ای بود که وی قبل از انتخابات به خامنه ای نوشت و خطبه ای که پس از آن خواند. دستگیری پنج تن از اعضای خانواده وی توسط نیروهای حکومتی این علامت را به وی داد که اگر بخواهد حرفی نتواند بزند از هیچ جهتی در امان نیست. هاشمی رئیس مجعی است که همه اعضای آن از جمله خودوی منصوب خامنه ای هستند و در جلال میان هاشمی و خامنه ای، طرف انتصاب کننده خود را می گیرند

همچنین او رئیس مجلسی است که همه اعضای آن از صافی شورای نگهبان گذشته اند و برای انتخاب شدن دوباره باید از آن صافی بگذرند. حتی اگر برخی از اعضا به هاشمی رای داده باشند اصولا در میان هاشمی و خامنه ای هاشمی را بر نمی گزینند. هیچ یک از اعضای مجلس خبرگان رهبری به اصلاح طلبان یا مخالفان حکومت سمپاتی ندارند تا موقعیت خویش را در این مورد به مخاطره بیندازند.

**رای فقرا برای احمدی نژاد**

این سخن مکررا پیش و پس از انتخابات تکرار شد که احمدی نژاد رای دهاتی ها و شهرستان ها و طبقات فقیر را دارد. (مثل نوشته رابرت فیسک در ایندیندنت، ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹) این سخن صرفا بر اساس ظن و گمان در مورد سفرهای استانی احمدی نژاد و توزیع سهام عدالت پیش از انتخابات بیان شد و بر هیچ گونه نظر سنجی و داده آماری متکی نبود. با توجه به اجرائن شدن بسیاری از مصوبات دولت در سفرهای استانی تأثیر این سفرها بر تصور مردم نسبت به احمدی نژاد روشن نیست. همچنین توزیع پول اندک در میان مردم معلوم نیست تا چه حد در رای آنها تأثیر داشته باشد. تورم و بیکاری فزاینده نیز بیشتر فقرا را تحت تأثیر قرار داده تا ثروتمندان کشور را.

مردم ایران بسیار پیچیده تر از ایجاد رابطه مالی مستقیم میان حاتم بخشی موردی دولت و رای خود هستند. حتی از رای محتمل و مفروض روستاییان و برخی از طبقات فقیر به احمدی نژاد نیز نمی توان به سلامت انتخابات

و رای بیش از ۲۴ میلیونی احمدی نژاد بل زد همچنین رای شهریان روستاییان در انتخابات دهه های هفتاد و هشتاد نشان می دهند که روستاییان تحت تأثیر شهریان هستند و نه مستقل از آنها در رای دهی.

**دستکاری محدود در آرا**

بسیاری از تحلیل گران پیش از انتخابات بر این باور بودند که اگر رای موسوی پنج میلیون بیش از احمدی نژاد باشد، یک حاشیه امن ایجاد می شود و امکان تقلب بشدت پایین می آید. گروهی در نامه مورخ ۶ تیر ۱۳۸۸ به شورای نگهبان نوشت: «ما پیش از این انتخابات را این باور بودیم که حضور پر شور مردم می تواند تخلفات احتمالی گروه های خودسر را تحت

شعاع قرار دهد.» این تحلیل گران با همین توجیه یا تحلیل، خواهان بالا رفتن میزان مشارکت برای کاهش امکان تقلب بودند. این افراد با در نظر گرفتن انتخابات های برگزار شده در دوره های قبل به این نتیجه می رسیدند که جمهوری اسلامی همواره تا حد اندکی در آراء دستکاری می کرده است اما تغییر رای یازده میلیونی دور از انتظار به نظر می آمد. آیت الله خامنه ای و گروه حاکم نظامی امنیتی اش در انتخابات دهم نشان دادند که ظرفیت جابجایی آراء توسط آنها بسیار بیش از تصور مردم و تحلیل گران سیاسی است.

**اختلاف میان فرماندهان سپاه**

در دوره اعتراض ها از منابع مختلف به این موضوع اشاره می شد که در میان فرماندهان سپاه بر سر سر کوب مردم اختلاف نظر وجود دارد و این خبر – تحلیل ها تا آنجا پیش رفت که گفته شد سرداران سپاه برای این موضوع تشکیل جلسه داده اند. بنا به برخی گزارش ها «در پی دستگیری و نا پدید شدن سردار علی فضلی در تاریخ ۲ تیر ۱۳۸۸ جلسه ای غیر رسمی از طرف سردار حاج سعید قاسمی فرمانده سابق لشکر ۲۷ محمد رسول الله با حضور ۱۶ تن از سرداران قدیمی سپاه بر گزار شد. در این جلسه که به منظور شکایت از وضعیت موجود در کشور انجام پذیرفت، سردار سعید قاسمی در این جلسه اظهار کرد که وضعیت موجود بسیار نگران کننده و شرم آور است و کاملا با آرمان های امام مغایرت دارد، و در صورت تحت فشار قرار گرفتن از سوی رهبر برای سر کوب بیشتر و شدیدتر مردم از این سمت کنار گیری کرده و در کنار مردم قرار خواهند گرفت.» (ویلاگ من ویلاگ نویس نیستم، ۲ تیر ۱۳۸۸) گفتگوی سرتیپ علی فضلی، فرمانده سپاه سیدهای استان تهران با خبرنگاران و سخن گفتن وی از برخورد شدید با معترضان این شایعات رانقض کرد. (کیهان، ۶ تیر ۱۳۸۸)

این تحلیل و خیرسازای های مرتبط با آن مربوط است به سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۸ و نه ۱۳۸۸؛ آیت الله خامنه ای در بیست سال گذشته همه عناصر غیر وفادار به خود را از سپاه تصفیه کرده است و امروز در رده فرماندهی سپاه کسی نیست که کوچک ترین همدلی با منتقدان خامنه ای داشته باشد. نامه فرماندهان سپاه به خاتمی در سال های دهه هفتاد این امر را بخوبی نمایانگر میسازد. خامنه ای هر از چند ماه فرماندهان سپاه را تغییر می دهد و پس از تحولات اخیر نیز فرماندهانی را که اغتشاشات اخیر را سر کوب کرده اند تغییر خواهد داد.

**مراسم متناوب ختم قبربائیان**

تحلیل پنجم که مرتبا توسط راضا صلان در برنامه های مختلف تلویزیونی در ایالات متحده امریکا عرضه شد این بود که کشتن افراد توسط حکومت موجب چرخه ای از عزاداری ها و مراسم سوگواری در ایران خواهد شد (مراسم سومین، هفتمین و چهلمین روز مرگ) که به تداوم اعتراضات کمک خواهد کرد. این تحلیل از وقایع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ نسخه برداری شده بود که در حال حاضر هیچ زمینه عینی در ایران ندارد. حکومت جمهوری اسلامی چنان که در سه دهه اخیر عمل کرده خود قربانیان را به خاک می سپارد و روی آن را بتون ریزی می کند و بعد آدرس قبر را به خانواده در صورت ذلن تعهد برای عدم برگزاری مراسم می دهد. همچنین عموم مساجد در اختیار دولت هستند و با یک تلفن از وزارت اطلاعات هر گونه مراسمی را لغو می کنند. رهبران جمهوری اسلامی از همان دری که به رژیم سابق ضربه زدند خود ضربه نمی خورند

**طراحی اعتراضات توسط دشمن**

همچنین باید به تحلیل کاملا نادرت حکومت ایران در نسبت دادن اعتراضات به کشورهای غربی یا «دشمن» یا مجاهدین خلق و بهاییان پرداخت. ارائه دهندگان این تحلیل باید به پرسش های زیر پاسخ دهند: چگونه دولت های خارجی یا مجاهدین خلق و بهاییان می توانند سه میلیون ایرانی را در تاریخ ۲۵ خرداد (رقم از شهردار تهران است) به خیابان های تهران بیاورند؟ ۴۰۰ میلیون دلار بودجه اختصاص یافته توسط دولت امریکا و سازمان سی ای ای برای این امر (تیتربزرگ و اول کیهان، ۲ تیر ۱۳۸۸) چگونه هزینه شده